

مدرسه انقلاب



و خردمند، دانش‌پژوه و علاقه‌مند به علم و آگاهی، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و... را براساس نظام معیار اسلامی فراهم می‌سازد.» در بیان مأموریت مدرسه، از معارف اخلاقی، از خودگذشتگی، تعاون، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، دروغ نگفتن، رعایت حقوق دیگران و... صحبت می‌کنیم. اما حاشا که یادگیری این موضوعات با سخنرانی کردن و خواندن متون حاصل نمی‌شود! دانش‌آموزان باید با این اخلاقیات زندگی کنند و آن‌ها را در عمل بیاموزند تا یاد بگیرند و بخشی از وجودشان شود. زندگی کردن با این فضایل به فرصت احتیاج دارد؛ همان فرصت یادگیری!

این فرصت‌ها باید با تألی و آرامش اما پرچالش در مدارس ایجاد شوند. آرامش به معنای کندی نیست. آرامش به معنای نداشتن اضطراب و هیجان است. دانش‌آموز باید در محیطی مملو از صلح و صفا این مفاهیم را یاد بگیرد. باید برای او فرصت و نیاز به ایثار کردن پیش بیاید تا او ایثار را یاد بگیرد. نمی‌شود این مفاهیم را قراردادی و کلاسیک به دانش‌آموزان آموخت. مثلاً در اردو می‌بیند که معلمان مدرسه و هم‌کلاسی‌هایش، بدون اینکه کسی متوجه شود، از حق خود می‌گذرند، اما نه برای اینکه در کارنامه امتیاز مثبت به آن‌ها تعلق بگیرد!

حال سؤال اساسی این است که امروز، ما معلمان باید چه زمینه‌هایی ایجاد کنیم تا دانش‌آموزان مانند دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از فرصت‌های یادگیری مدرسه به‌گونه‌ای بهینه استفاده کنند و بهره ببرند؟ پاسخ شما چیست؟

در ادامه

دهه مبارک پیروزی انقلاب اسلامی را جشن می‌گیریم، در حالی که کمتر به نقش دانش‌آموزان و معلمان در این انقلاب توجه می‌کنیم. همه ما می‌دانیم که در پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت دیکتاتور شاهنشاهی، همه اقشار نقش داشتند، ولی نقش مدارس در آن بی‌بدیل بود، به‌خصوص:

- راهپیمایی‌ها و اعتصاب‌ها در مدارس، خصوصاً در سال ۵۷ بسیار گسترده بودند؛
- معلمان مدارس در روشنگری دانش‌آموزان و دانش‌آموزان نیز در روشنگری اولیا نقش مهمی داشتند؛
- مدارس به‌عنوان کانون حمایت‌های مالی و پشتیبانی مطرح بودند؛
- دانش‌آموزان و معلمان مدارس در توزیع اطلاعات و شب‌نامه‌ها نقش داشتند؛
- این قشر، بعد از انقلاب نیز، در صحنه‌های دفاع مقدس و حفظ انقلاب فداکاری‌های زیادی کرده‌اند.

تجربه انقلاب اسلامی و مروری بر تاریخ آموزش و پرورش نشان می‌دهد که در آن برهه زمانی، مدارس اصلی‌ترین و فرهنگی‌ترین کانون‌های پویایی جامعه بودند. در واقع مدرسه‌ها قلب محیط پیرامون خود بودند. اما همین‌طور که در طول تاریخ به جلو می‌آییم، می‌بینیم که مدارس از کارکرد اجتماعی- انقلابی خود فاصله می‌گیرند و بیشتر در نقش مؤسسه‌ای آموزشی انجام وظیفه می‌کنند.

اکنون شاید بتوان گفت، مهم‌ترین رسالت مدرسه‌های ما ایجاد فرصت یادگیری برای نسل نوین است؛ فرصت‌هایی که فقط به یادگیری موضوعات علمی و درسی محدود نمی‌شوند، بلکه انواع مهارت‌های ضروری را دربرمی‌گیرند.

دانش‌آموزان ما به مدرسی نیاز دارند که زمینه‌های اجتماعی شدن آن‌ها را مهیا سازد. در سند برنامه درسی ملی، درخصوص چشم‌انداز چنین آمده است: «زمینه تربیت نسلی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و... حقیقت‌جو